روزنه

آماده مردن، نه کشتن

حسین موسوی

■ «من بنا به دلایل زیادی آماده مردن شده‌ام و نه کشتن.» این یکی از سخنان ماندگار مهاتما گاندی رهبر سیاسی و معنوی هندی‌هاست که در کنار بیشمار سخنان دیگرش که مبارزه منفی و بدون خشونت را همواره فریاد می‌کرد گفته شده است. پس از اوست که شیوه مبارزاتی گاندی به عنوان یک راه ماندگار انتخاب می‌شود و اعتصاب غذا، به عنوان مطرح‌ترین راه برای رساندن صدای اعتراض می‌شود. این شیوه اکنون چنان فراگیر شده که حتی در هندوستان یک مرکز مطالعاتی اجتماعی وجود دارد که به طور ویژه در مورد اعتصاب غذا تحقیق می‌کند. «شیو ویس واناتان»، یکی از اعضای ارشد مرکز مطالعات توسعه اجتماعی در هند در مورد انتخاب روش اعتصاب غذا توسط معترضان می‌گوید: «در حال حاضر این شیوه اعتراضی در حال گسترش در اقصی نقاط دنیاست. این نوع اعتراض همیشه آخرین کاری است که یک فرد از سر ناچاری و بی‌پناهی به آن روی می‌آورد.» اعتصاب غذاها در زمانی که رسانه‌ها به این وسعت نرسیده بودند معمولا بی‌نتیجه باقی می‌ماندند. «ترانی اش» و «مک سودینی» دو نمونه کامل از معترضانی هستند که به دلیل اعتصاب غذا در زندان جان سپردند. پس از مرگ برخی از اعتصاب‌کنندگان غذا، به ویژه در زندان‌های بریتانیا، برخی از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به بررسی نقش زندانبانان در برخورد با معترضان پرداختند. زندانبانان در برابر کسانی که اعتصاب غذا کرده‌اند دو راه بیشتر پیش رو ندارند: «یا اجازه می‌دهند که زندانی کشته شود یا سعی می‌کنند مانع از اعتصاب غذای زندانی شوند.» سازمان حقوق بشری بریتانیا در این مورد به یکی از مقالات ریچارد آلوراستون رجوع و نقش زندانبان را در این میان برجسته اعلام می‌کند. در این مقاله نوشته شده است: «مقامات زندان باید سلامتی زندانی را تضمین کنند. زندانبانان باید مانع از هر گونه خودکشی زندانیان شوند.» با این وجود در میان اندیشمندان درخصوص خودکشی بودن اعتصاب غذای معترضان تفاوت نگرش وجود دارد. عقیده بر این است که اعتصاب غذا با توجه به اینکه به نیت مرگ صورت نمی‌گیرد، نمی‌تواند خودکشی محسوب شود. ممکن است به مرگ منجر شود اما مردن در اعتصاب غذا هدف نیست. خودکشی با هدف مردن صورت می‌گیرد. هنوز اعتصاب غذا می‌تواند به عنوان راهکاری برای رسیدن به هدف محسوب شود. اعتصاب غذا برای بسیاری که خواسته‌ای بحق دارند اولین راه نیست، ناگزیرترین راه است.

گاندی ۷۹ سال پیش روزه سیاسی گرفت

مبارزه بدون خشونت هم استراتژی هم تاکتیک

مریم مرادخانی

او برای مردم دنیا، چهره شناخته شده‌ای است، جامه سفید، عینکی با قاب فلزی، صندل‌هایی نیم‌دار، لبخندی که دندان‌هایش را گم کرده بود و صدایی که از نجوا بالاتر نمی‌رفت، شاید نخستین تصاویری است که با شنیدن نام «گاندی» در ذهن شنونده تداعی می‌شود. کسی که دوستدارانش او را «ماهاتما» می‌خوانند، «روحی بزرگ» که تمام عالم را یک خانواده می‌دانست و مرزها را ساخته ذهن انسان. پیش از آنکه در ژانویه ۱۹۴۸، اصابت سه گلوله به زندگی او پایان بخشد، گاندی بیش از ۵۰ سال در عرصه سیاسی فعالیت می‌کرد. شیوه مبارزاتی او، دست‌کم دو نسل از فعالان سیاسی هندوستان و سایر مبارزان در سراسر جهان را تحت تاثیر قرار داده است. مبارزاتی که امپراتوری انگلستان را لرزاند و آغازگر انقلابی شد که چهره آفریقا و آسیا را برای همیشه تغییر داد. تا پایان سال ۱۹۴۷، گاندی زندگی را زیر فشار، سوءظن و مخالفت دیگران سپری کرد، زمانی‌که برای اولین بار پرچم مخالفت با تبعیض نژادی و سلطه استعماری را برافراشت. اندیشه‌های او که پیش از آن غالبا غیرواقع‌بینانه و آرمانی تلقی می‌شد، حالا ذهن بسیاری از متفکران جهان را به خود مشغول می‌کرد. چنانکه انیشتین درباره او چنین می‌گوید: «از نظر من نگرش گاندی روشن‌بینانه‌ترین نگرش در میان تمامی سیاستمداران زمان ماست. او مردی است که نسل‌های پس از ما به سختی وجودش را باور خواهند کرد.»

اساس بسیاری از فعالیت‌های گاندی، تلاش برای رسیدن به درجات عالی روحانی بود اما برای رسیدن به این درجات، به هیچ غاری پناه نبرد، چرا که او هیچ مذهبی را جدا از فعالیت‌های انسانی نمی‌دانست. ماهانداس کارامچاند گاندی، در دوم اکتبر سال ۱۸۶۹ میلادی، در پوربندر، واقع در ساحل غربی هندوستان دیده به جهان گشود. پدر و پدربزرگ او از وزرای اعلی (دیوان) پوربندر بودند. در مدرسه، مهانداس کوچک، فعالیت چندان برجسته‌ای نداشت و ساکت، خجالتی، کم‌رو و گوشه‌گیر بود. همانند بسیاری از هم‌سن‌وسالانش، او نیز دورانی از سرکشی را گذرانده بود اما، دوران نوجوانی و بلوغش به اندازه دیگران آشفته نبود. در سال ۱۸۸۷، توانست آزمون ورودی دانشگاه بمبئی را با نتیجه‌ای قابل قبول پشت سر بگذارد، اما، مرگ پدرش که یک سال قبل از آن رخ داده بود، این تنها پسر محصل خانواده را راهی باونگر، بندری در جنوب گجرات هند کرد. برگزاری کلاس‌های درس به زبان انگلیسی، ناامیدی و عدم پیشرفت او و پیشنهاد یکی از نزدیکان برای فرستادن وی به کلاس انگلیسی، گاندی را برای سفر به خارج از کشور مصمم کرد. به‌رغم بی‌میلی مادر و تهدید اطرافیان به طرد این خانواده، گاندی تصمیم خود را عملی نمود و در سپتامبر ۱۸۸۸ راهی انگلستان شد. در حالی‌که از نواحی روستایی تحت استعمار، سوار بر یک کشتی بین‌المللی می‌شد، دنیا در مقابل چشمانش تغییر می‌کرد. انطباق با فرهنگ جدید کار آسانی نبود. به خصوص برای او، جوانی از خانواده‌ای مذهبی، که با مادرش عهد بسته بود، خلاف سنت‌های خانوادگی‌اش رفتار نکند. اما پایبندی به این اصول و سنت‌ها، وی را نزد همکلاسی‌هایش خجالت‌زده می‌کرد. به زودی، همانند بسیاری از مهاجران، او نیز تحت تاثیر فرهنگ جدید قرار گرفت. اما دیری نپایید که تجربه «انگلیسی شدن»، نتوانست گاندی جوان را ارضا کند و او دوباره به آداب و رسومی روی آورد که سال‌ها زیر سایه آنها زندگی کرده بود.

در سال ۱۸۹۱، گاندی آزمون وکالت را با موفقیت پشت سر گذاشت، اما برای ادامه تحصیل دچار تردید بود. او قانون را خوب بلد بود اما آیا می‌توانست در این زمینه فعالیت کند؟ او که خود را برای ایراد یک سخنرانی ساده ناتوان می‌دید، چگونه می‌توانست در یک دادگاه بایستد و مقابل رقیبان، از ادعای خود دفاع کند. همین فکر، گاندی را دوباره راهی سرزمین مادری خود کرد. زمانی‌که وارد هند شد، در حالی‌که نتوانسته بود به خواسته‌های خانواده‌اش جامه عمل بپوشاند، تصمیم گرفت تحصیل در رشته وکالت را ادامه دهد. طی این مدت گاندی بارها با شکست مواجه شد و برای گذران زندگی ناچار به انجام کارهای نیمه‌وقت بود. در سال ۱۸۹۳، گاندی به دوربان، شهری در آفریقای جنوبی سفر کرد. یکی از کارفرمایان او که تاجری ثروتمند بود، او را برای بازدید به دادگاه دوربان برد. رفتار تحقیرآمیز رییس اروپایی دادگاه با گاندی اولین تجربه‌اش از اعمال تبعیض علیه هندی‌ها بود. انتقال او از کوپه درجه یک قطار به واگن حمل بار، در سفری که به پرتوریا داشت، نقطه عطفی در زندگی‌اش به حساب می‌آید. گاندی این رفتار را نه تنها توهینی به خود، که به تمام مردم هندوستان دانست. شرایط رقت‌بار مهاجران هندی، این حقیقت که آنها از کمترین حقوق شهروندی برخوردار بودند و نمی‌دانستند چگونه حق‌شان را استیفا کنند، بر روح گاندی جوان تاثیر بسزایی گذاشت. احساس حقارتی که برای اولین بار در انگلستان و پس از سال‌ها در هندوستان تجربه کرده بود و حالا در قاره سیاه دیگر بار به او تحمیل شده بود به یکباره ناپدید شد. او که سابقا، اعتماد به نفس ایراد یک نطق کوتاه را هم نداشت، حالا به برگزاری جلساتی با موضوع احقاق حقوق از دست رفته مهاجران می‌پرداخت. در سال ۱۹۰۶، گاندی، کمپین نافرمانی مدنی خود را راه‌اندازی کرد. طی این سال‌ها، هزاران هندی مستقر در آفریقای‌شمالی، به دلیل این نافرمانی‌ها به زندان افتادند. سر انجام، تحت فشار دولت هندوستان و بریتانیا، دولت آفریقای‌شمالی ناچار به امضای توافقی شد که بر اساس آن، حقوق هندی‌های ساکن آفریقا به رسمیت شناخته می‌شد. در اجرای این توافقنامه، گاندی، نقش کلیدی داشت. در سال ۱۹۱۵، گاندی، افریقا را به مقصد سرزمین مادرش ترک نمود.

گاندی از مخالفان سرسخت استعمارگری بریتانیا بود. او که از اعضای کنگره ملی هندوستان بود، جنبش استقلال‌طلبی هندوستان را به نهادی عظیم تبدیل کرد؛ نهادی که وظیفه‌اش هدایت مردم را برای بایکوت محصولات انگلیسی و موسسات انگلیسی و هر آنچه نشانگر نفوذ بریتانیا بر هندوستان بود، بر عهده داشت. پس از اعمال خشونت علیه معترضان از سوی نیروهای امنیتی، گاندی پایان فعالیت جنبش مقاومت را اعلام کرد. در سال ۱۹۲۲، وی بازداشت شد و دو سال بعد از زندان آزاد شد. او برای چندین سال دست از فعالیت سیاسی کشید اما در سال ۱۹۳۰، کمپینی را در مخالفت با بستن مالیات بر نمک راه‌اندازی کرد. این کمپین، طبقه مستمند هندوستان را به شدت تحت تاثیر قرار داد. در سال ۱۹۳۱، پس از اینکه مقامات بریتانیایی امتیازاتی را برای هند قایل شدند، گاندی پذیرفت که به نمایندگی از حزب کنگره در سری کنفرانس‌های موسوم به «میزگرد» که در لندن برگزار می‌شد، شرکت کند. گاندی، بلافاصله پس از بازگشت مجدد به هندوستان، بازداشت شد و این بار در اعتراض به شرایط نامناسب طبقه مستمند هند، دست به اعتصاب غذا زد. این حرکت وی، میان پیروانش انقلابی به پا کرد و حکومت را به اعمال اصلاحات بی‌درنگ واداشت. در سال ۱۹۴۷، هندوستان، رسما استقلال خود را اعلام کرد.

آنچه امروز گاندی را از سایر چهره‌های انقلابی متمایز می‌کند، صرف‌نظر از شیوه زندگی منحصر به فردش، بنیان نهادن روشی نوین در مبارزات سیاسی است؛ شیوه عدم تبعیت از قانون، یا به تعبیر خود وی «ساتیاگراها» که امروزه اغلب با عناوینی چون «مبارزات بی‌خشونت» یا «مقاومت مدنی» شناخته می‌شود. به عقیده گاندی، عدم اعمال خشونت، قدرتمندترین سلاحی است که امروزه بشر می‌تواند به کار گیرد. پیش از آن، ملت‌ها در مقابل قدرت‌های استبدادی، چاره‌ای جز سکوت یا اتخاذ روش‌های پر هزینه نداشتند. در حالی‌که ساتیاگراهای گاندی، چیزی جز راهپیمایی‌های طولانی، تحصن، تحریم، عدم همکاری و روزه سیاسی نبود. روش‌هایی که گاهی به درستی تعبیر نشدند و گاهی نیز مورد انتقاد بوده‌اند. راهپیمایی نمک بهترین نمونه برای نشان دادن پرهیز گاندی از خشونت است. برای ابراز مخالفت، او یک راهپیمایی ۲۴۰ مایلی را به مقصد شهر ساحلی دندی ترتیب داد. او قصد داشت به مردم نشان دهد که با پرهیز از خشونت هم می‌توانند به اهداف‌شان دست یابند. زمانی‌که معترضان به ساحل رسیدند، دست به تولید نمک از آب دریا زدند. این حرکت نمادین، در عین سادگی، پس از مدتی منجر به شکل‌گیری مبارزات مدنی سازمان یافته‌ای در سراسر هندوستان شد، حالا از کراچی تا بمبئی، هندی‌ها با گرم کردن آب شور، درست مقابل چشم بریتانیایی‌ها نمک تولید می‌کردند. طی این حرکت اعتراضی، حدود ۶۰هزارنفر بازداشت شدند. گرچه در مرحله دوم همین کمپین، تظاهرکنندگان مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفتند، سرانجام بریتانیایی‌ها که چاره‌ای جز عقب‌نشینی نمی‌دیدند، به مذاکره با گاندی پرداختند.

دریچه

راه گاندی

■ روش‌های مبارزاتی گاندی، همواره الهام‌بخش بسیاری از مبارزات دیگر در سایر نقاط جهان بوده است. یکی از چهره‌های مبارز صاحبنام که به‌شدت تحت تاثیر گاندی قرار داشته، مارتین لوترکینگ، رهبر سیاهپوست جنبش حقوق مدنی در آمریکا بوده است. او در مبارزات خود علیه نژادپرستی، از تعالیم گاندی متابعت می‌کرد. اعتصاب غذا، روش دیگری است که گاندی در طول مبارزات سیاسی خود بارها آن را به‌کار گرفته بود. گرچه تاریخچه اعتصاب غذا به سال‌ها پیش از مبارزات گاندی بازمی‌گردد، اما بسیاری او را احیاکننده این روش می‌دانند. او این روش را فرصت و موهبتی از سوی خدا برای احقاق حقوق لگدمال‌شده مردم می‌دانست. افراد به دلایل مختلفی دست به اعتصاب غذا می‌زنند که مهم‌ترین آنها، نیل به دموکراسی است. در سال ۱۹۶۸ میلادی، سزار چاوز، یکی از رهبران مبارز آمریکای لاتین، در حمایت از کارکنان مزارع انگور که خواهان افزایش حقوق خود بودند، دست به اعتصاب غذا زد. اعتصاب ۲۵ روزه او، همراه با به‌کارگیری سایر روش‌های مبارزاتی بی‌خشونت، از جمله تحریم و تحصن، سرانجام سبب شد که این کارگران به خواسته‌های خود دست پیدا کنند. او همچنین در سال ۱۹۸۸، در اعتراض به استفاده از داروهای آفت‌کش در مزارع، باردیگر دست به اعتصاب زد. از دیگر نمونه‌های شاخص اعتصاب غذا، اعتصاب بابی ساندز، مبارز ۲۷ساله ایرلندی و از اعضای ارتش جمهوری‌خواه ایرلند است. این اعتصاب حدود ۶۶ روز به طول انجامید و سرانجام منجر به مرگ وی شد.

طی سال‌های اخیر، اعتصاب غذا، همواره به عنوان ابزاری قدرتمند، در جهت رسیدن به اهداف سیاسی به‌کار گرفته می‌شود. از عبدالهادی الخواجه، فعال حقوق‌بشر بحرینی گرفته تا ۱۰ زندانی فلسطینی در اسراییل که اخیرا به کلینیک زندان منتقل شده‌اند، همه و همه برای نیل به اهداف خود این روش را برگزیده‌اند. بسیاری معتقدند که اگر این روش به‌درستی به کار گرفته شود، در حالی‌که آسیب‌های وارده به فرد اعتصاب‌کننده را به حداقل برساند، روشی معقول است. عده‌ای دیگر اما، اعتصاب غذا را روشی خلاف اصول دموکراتیک می‌دانند. برخی نیز این روش را به دلیل آسیب‌رساندن فرد به جسم خود، به باد انتقاد می‌گیرند. به هر حال باید پذیرفت که این روش نیز همانند سایر ابزار مبارزاتی بی‌خشونت همیشه صددرصد موفق نیست و در کنار سایر روش‌های نوین مبارزاتی است که شکل موثرتری به خود می‌گیرد گرچه گاندی، این روش را تنها زمانی توصیه می‌کرد، که راه دیگری برای مقابله با حریف باقی نمانده بود.